

پویاشناسی شدت تغییرات کالبدی با تأکید بر روایت ساکنان؛ راهنمای عمل طراحان در محله‌های مسکونی بررسی موردی: محله نیاوران، تهران*

هادی پندار

استادیار گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

E-mail: h.pendar@art.ac.ir

چکیده

شکل‌گیری نظریه‌های اثباتی برای تدارک مطلوب دگردیسی کالبدی، حاکی از لزوم توجه توأمان به فرایندهای عینی و تجربه ساکنان است. در شرایط فعلی سیاست‌گذاری کالبدی و ضوابط ملاک عمل در محلات مسکونی بر اساس نیازهای کمی و زیرساختی تعیین می‌شود. هدف این مطالعه فهم عوامل مؤثر بر ارزیابی ساکنان از روند تغییرات کالبدی در محلات مسکونی است. در این پژوهش به کارگیری روش ترکیبی، امکان بررسی انطباقی یافته‌های کمی (عینی) و کیفی (ذهنی) را فراهم نمود. داده‌های کمی با بررسی‌های ریخت‌شناسی در دوره ۲۰ ساله و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه عمیق با ۱۴ نفر از ساکنان اصیل نیاوران و در ۴ کوچه و با بهره‌گیری از سنت پژوهشی پدیدارنگاری استخراج شد. موضوعات مستخرج از مصاحبه با ساکنان به منظور پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهش، غربالگری و مفاهیم اصلی کدگذاری شد. بر اساس نتایج پژوهش در سرعت متوسط تغییرات کالبدی، ساکنان به موضوعات وابسته به زمین و دارای کارکرد معنایی مانند حیاط و اندازه خانه توجه دارند. اما در شرایط سرعت بالای تغییرات کالبدی که منجر به دگرگونی می‌شود، واحد مسکونی اهمیت بیشتری می‌یابد. از این رو رهیافت‌هایی مانند آماده‌سازی ذهنی ساکنان در موضوعاتی مانند کوتاه‌تر شده چرخه‌های زمانی ساخت و پرهیز از ایجاد حالت تعلیق در کلیت کالبدی به‌عنوان راهنمای عمل طراحان استخراج شد.

کلیدواژه‌ها: شدت تغییرات کالبدی، تجربه و ارزیابی ساکنان، سیاست‌گذاری کالبدی، محله نیاوران

* بخش‌هایی از این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده با عنوان «بازاندیشی در سرعت دگردیسی کالبدی محیط‌های مسکونی از منظر ساکنان بر اساس معیار رضایت‌مندی» است که با راهنمایی دکتر کامران ذکاوت در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

مقدمه

چند روایت از ساکنان اصیل محله نیاوران در اینجا آمده است: «با نوعی از نگرانی دائمی در مورد ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاسی که در محله ما سابقه نداشته مواجه هستیم.» «محله همیشه مثل کارگاه ساختمانی نیمه تمام است. عمر ساختمان‌ها کم شده و زود جایگزین می‌شوند.» و «بعضی از خانه‌ها که خراب می‌شوند و دوباره کاملاً متفاوت با قبل ساخته می‌شوند، انگار کل کوچه تغییر می‌کند.» روایت‌های فوق به شکل‌های گوناگون منعکس کننده واقعیت‌های بیرونی و درونی موضوع تغییرات کالبدی در محیط‌های مسکونی است. این تغییرات به تدریج روی می‌دهند؛ اثرات مستقیمی ندارند؛ از یک روند زمانی پیروی می‌کنند و نهایتاً قابل کنترل نیستند. یعنی پاسخ عملی افراد به آنها ماهیتشان را تغییر نمی‌دهد (Scarpello & Campbell, 1983, 580). از این رو تغییرات کالبدی را می‌توان بر اساس ویژگی‌هایش جزو عوامل استرس‌زای محیطی به‌شمار آورد. در چنین محلاتی تغییرات دائمی شرایط کالبدی به‌طور آشکاری در ارزیابی ساکنان از محیط زندگی‌شان جلب توجه می‌کند. مردم همواره در معرض چرخه‌های تمام‌ناشدنی ساخت و تخریب قرار دارند. کوچه‌های یک محله مسکونی معمولاً از نظر دوره تغییرات کالبدی در شرایط یکسانی قرار ندارند. برخی از کوچه‌ها ممکن است کاملاً دگرگون شده و دیگر ارتباطی با آنچه به مرور زمان در ذهن ساکنان شکل گرفته نداشته باشند، اما برخی دیگر با سرعت‌های کم تا زیاد در مسیر تغییر حرکت کنند. از سوی دیگر اثرات زمینه‌ای^۱ موجب تفاوت در ارزیابی ساکنان از تغییرات کالبدی و نتایج آنها می‌شود (Clitheroe et al., 1998). بنابراین لازم است این چرخه‌ها به‌طور دقیق‌تری و اکاوی و به ابزار قابل استفاده جهت ارزیابی کیفیت محیط زندگی تبدیل شود. حال آنکه سیاست‌گذاری کالبدی در محلات مسکونی بر اساس ضوابط طرح تفصیلی صورت می‌گیرد که فاقد توجه به جنبه‌های کیفی و ملاحظات زمینه‌ای است.

بر این اساس پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: (۱) موضوعات نیازمند توجه طراحان و سیاست‌گذاران در هدایت خردمندانه تغییرات کالبدی و راهنمای عمل طراحان، حاصل از روایت ارزیابانه ساکنان در شرایط در حال تغییر کدام‌اند؟ و (۲) چه تفاوت‌هایی در ادراک ساکنان کوچه‌های در حال تغییر و کوچه‌های دگرگون شده به لحاظ کالبدی وجود دارد؟

این مطالعه به روش ترکیبی (کمی - کیفی) به بررسی تغییر تجربه ساکنان از فرایند تغییرات کالبدی می‌پردازد. کوچه‌های قدیمی نیاوران به‌عنوان واحد مطالعه انتخاب شدند. ۴ کوچه بر اساس تعداد ساخت‌وسازها در دوره زمانی ۲۰ ساله انتخاب شد و مصاحبه‌های عمیق از ساکنانشان صورت گرفت. مطالعات ریخت‌شناسی تفکیکی نیز در هر گروه صورت گرفت. سپس بر اساس بررسی‌های انطباقی، رهیافت‌هایی برای سیاست‌گذاران و طراحان اعم از طراحان شهری، منظر و معماران در این خصوص حاصل شد.

مقاله حاضر در ۵ بخش به دنبال پاسخ به پرسش‌های پژوهش بوده است. چارچوب نظری که شاخص‌هایی را جهت ورود به بستر پژوهش فراهم نموده است؛ مورد پژوهشی که ضمن معرفی روش پژوهش به شناخت بستر پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها می‌انجامد؛ در تحلیل یافته‌ها، داده‌های کمی و کیفی ارزیابی شده است؛ بحث در خصوص یافته‌ها به منظور پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش و نتیجه‌گیری با پیشنهادها عملی به منظور کاربست آنها در محیط‌های مسکونی.

پیشینه پژوهش

مطالعات ویژه‌ای با تأکید بر روان‌شناسی محیط و به منظور کنترل ابعاد کالبدی محلات مسکونی به

بررسی تأثیر نوع و شدت تغییرات بر ساکنان پرداخته و ضوابطی جهت کنترل آن ارائه نموده‌اند. به طور کلی مطالعات پیشین را می‌توان بر اساس اهداف مورد انتظارشان در دو گروه جای داد. آنها که به دنبال فهم عوامل مؤثر در شکل‌گیری ارتباط انسان و محیط کالبدی‌اند و مطالعاتی که به رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر بر ارزیابی ساکنان پرداخته‌اند. در این میان مارکوس^۲ به طور خاص بر این نکته تأکید نموده که «هرچه بیشتر به نظرات مردم گوش می‌کردم بیشتر برایم محرز شد که آنها آگاهانه یا ناخودآگاه از محیط خانه خود به عنوان ابزاری برای بیان چیزی در مورد خودشان استفاده می‌کنند.» (Marcus, 1995). دسته دوم نیز به دنبال تعیین و رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر بر ارزیابی ساکنان از خصوصیات کالبدی بوده‌اند. مانند هور^۳ که در پژوهشی دانشگاهی توجه ویژه‌ای به مقایسه تحلیل‌های فضایی ساکنان از تغییرات در بافت‌های مسکونی با رویکرد ریخت‌شناسانه داشته است. نتایج حاصل، ارتباطات معناداری را میان ادراک خصوصیات کالبدی و ارزیابی عاطفی نشان داد (Hur, 2008).

ارزیابی تغییر تدریجی محیط زندگی و نظریه‌های اثباتی در این زمینه نیز در قالب مفاهیمی چون «چرخه‌های توسعه و فرم شهری» در مطالعات مرتبط با ریخت‌شناسی شهری آغاز و به مدل‌های اثباتی در خصوص مدیریت همزمانی‌های تغییر^۴ منتهی شد (Whitehand, 1987). همزمان، کاپلان^۵ (1987) نیز با نظریه تناسب انسان و محیط، به فرایند تبدیل عینیات به ذهنیات پرداخت تا امکان بررسی و پیش‌بینی انواع رفتارها و نگرش‌های مقوله‌ای و مشکلات ناشی از آنها را فراهم سازد. در مدل کاپلان ابعاد تناسب، زمان و سازوکارهای حاکم بر آنها مورد توجه قرار گرفته است. در نظریه‌های متقدم‌تر مانند نظریه کانتر^۶ (1983) تأکید خاصی بر ارزیابی هدفمند مکان به عنوان یک رویکرد رویه‌ای^۷ شده است. دیویدکانتر در جملات عمومی بر اساس سه مفهوم به ارزیابی هدفمند مکان می‌پردازد: (۱) سطح توجه^۸ شامل خانه، مکان و واحد همسایگی، (۲) سطح تأکید^۹ اعم از کلی، عمومی و خاص و (۳) مرجع نظر^{۱۰} شامل تماس اجتماعی، فضا و خدمات (Canter, 1983). ارزیابی محیط زندگی و معیارهای کالبدی آن موضوع اصلی برخی پژوهش‌ها در حوزه مسکن بوده و رویکردهای متفاوتی را به منظور تعیین آن و معیارهایی را برای طراحان در جهت تحقق آن ارائه نمودند (Morrone et al., 2019). پژوهش‌هایی نیز مدل‌های توصیفی چندلایه از عوامل مؤثر بر ادراک پیوسته تغییرات کالبدی را با استفاد از مطالعات ترکیبی در دوره‌های زمانی، زمان شکل‌گیری و تثبیت بررسی نموده‌اند (Wang et al., 2019).

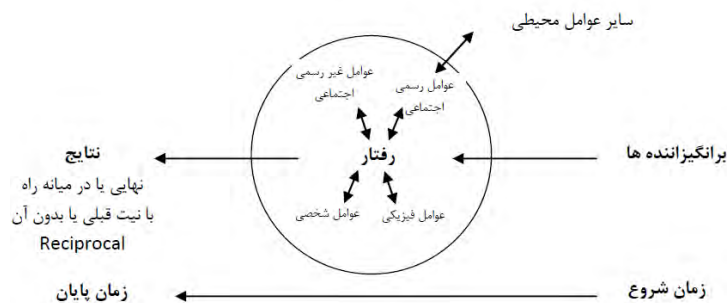
چارچوب نظری پژوهش

به منظور تحلیل الگوهای تغییر کالبدی در محیط‌های مسکونی، مرور عوامل اصلی تغییر^{۱۱} و طبقه‌بندی آنها ضروری به نظر می‌رسد. تغییر کالبدی محیط مسکونی نتیجه تعامل طیف گسترده‌ای از نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فضایی است (Bridget, 2006) است که به صورت کالبدی نمایان می‌گردد. بررسی مفاهیم اساسی در مورد تغییر، بنیانی را برای درک این ساختارها و ارزیابی تغییرات از منظر ساکنان در قالب چارچوب مفهومی جهت ورود به مطالعات میدانی فراهم می‌آورد.

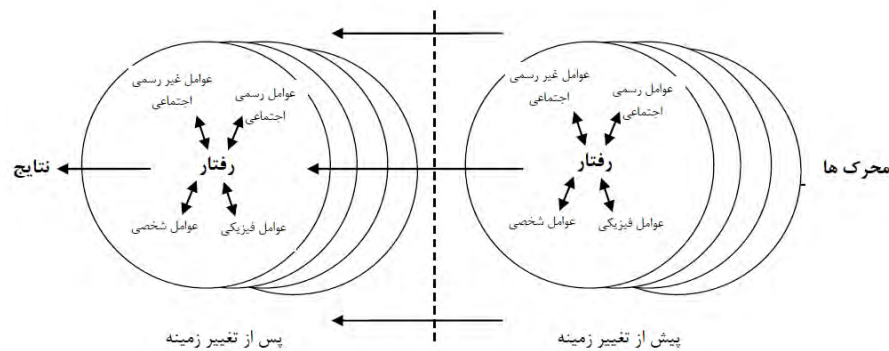
- مدل زمینه‌ای از تغییرات محیط

بر اساس تعریف کلیترو^{۱۲} و همکارانش واژه محیط برای اشاره به کیفیت‌های عینی^{۱۳} و ذهنی^{۱۴} ادراک شده توسط فرد یا گروه در ابعاد اجتماعی یا کالبدی به کار می‌رود. زمینه^{۱۵} نیز معرف مجموعه خاصی از جنبه‌های اجتماعی، کالبدی و فردی مرتبط با محیط است (Clitheroe et al., 1998). بر اساس تعریف فوق

برای هر محیط می‌توان تعداد نامحدودی مؤلفه زمینه‌ای شناسایی نمود. در مطالعات پایه رفتاری مرتبط با تغییرات محیط نیز دو گونه از تغییرات زمینه‌ای از هم تفکیک می‌شوند؛ گذارهای تکاملی تدریجی (شکل ۱-الف) و تغییرات زمینه‌ای سریع (شکل ۱-ب). در حالت اول یا تکامل تدریجی محیط دچار دگرگونی نمی‌شود، اما در حالت دوم یا زمینه تغییر یافته، در نظر گرفتن موقعیت تغییر قبل و بعد از آن در مطالعات مرتبط با انسان و محیط ضروری است. زمانی که محیط مسکونی به صورت تدریجی دوره‌های تکاملی^{۱۶} خود را طی می‌کند، افراد قدرت بیشتری برای انطباق و سازگاری^{۱۷} با تغییرات دارند، اما زمانی که محیط بنا به ضرورت دچار دگرگونی می‌گردد، قدرت انطباق افراد نیز کمتر می‌شود (Clitheroe et al., 1998).



الف: رفتار در زمینه با تکامل تدریجی



ب: رفتار در زمینه تغییر یافته (خط‌چین: نقطه شکست دگرگونی حدفاصل قبل و پس از تغییر زمینه)

شکل ۱. رفتار در زمینه با تکامل تدریجی (الف) و تغییر یافته (ب)

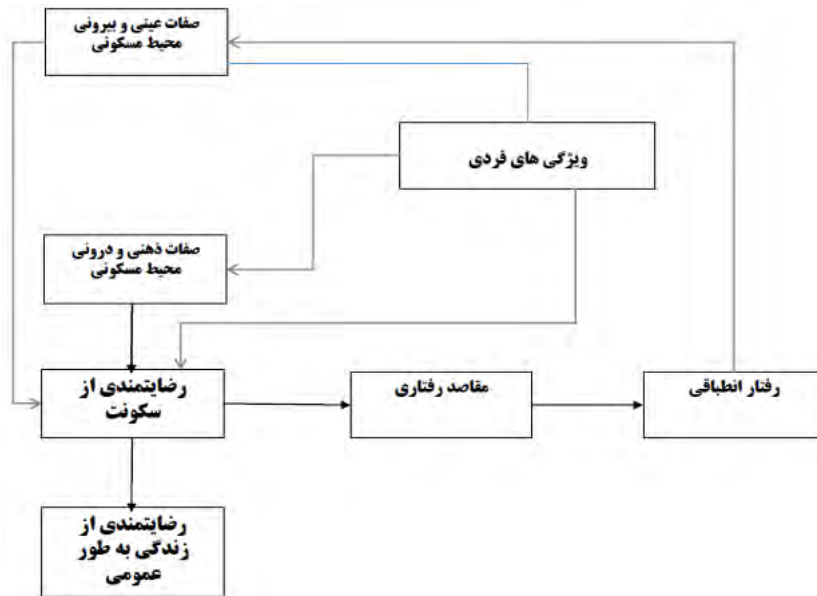
منبع: Clitheroe et al., 1998

- تغییر کالبدی و تحول رابطه انسان - محیط

کاپلان^{۱۸} (۱۹۸۳) با رویکردی فرایندگرا به رابطه انسان - محیط، وضوح شناختی^{۱۹} را به عنوان عاملی اصلی در انگیزه انسان از ادراک محیط می‌داند. وضوح شناختی همان بازتاب یا فرایندهای تفکری است که به فرد اجازه سازماندهی افکار و احساساتش را می‌دهد و عاملی مهم در انگیزه انسان است. فرایندهای اطلاعاتی حاصل از تمام تلاش‌های انسانی، نقطه شروع این فرایند است. (Kaplan, 1983 cited in Korpela, 1989) افراد به واسطه تصویرسازی از خود گسترده مفاهیمی را به دیگران انتقال می‌دهند و براساس عکس‌العمل دیگران به ارزیابی خود می‌پردازند. بنابراین می‌توان گفت سبک و الگوی ساخت‌وساز نیز نشانه‌ای از خود گسترده است. محیط‌های مسکونی نیز به واسطه تنوع الگوهای ساخت

غالباً نمادهایی از ارزش‌ها، عقاید و رفتارهای دیگران را ارائه می‌دهند و در نتیجه فرصتی برای این نوع فرایند ارزیابی فراهم می‌کنند. بنابراین شخص ضمن احساس بیگانگی با محیط زندگی‌اش همیشه به دنبال بازگرداندن و ترمیم هویت از دست رفته خود در خلال تغییرات است. از نظر بلک^{۲۰} نیز ظرفیت محیط کالبدی برای تحت تأثیر قرار دادن هویت، فراتر از «خود گسترده» است. این امر می‌تواند از نماد و نشان به محله‌ای که فرد در آن ساکن است و ویژگی‌های محیطی آن بسط یابد (Belk, 1988).

در مدل آمریگو عناصر رفتاری، عاطفی و شناختی در تعاملات مدل و ساختاربخشی به داده‌های تجربی نقش دارند. بر اساس این مدل صفات عینی محیط مسکونی زمانی که توسط فرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، ذهنی می‌شوند و به سمت درجه‌ای از رضایت می‌روند. از سوی دیگر صفات ذهنی محیط تحت تأثیر ویژگی‌های فردی مانند ویژگی‌های شخصی و اجتماعی - جمعیتی قرار گرفته‌اند. کیفیت محیط مسکونی به‌عنوان یک معیار هنجاری مطرح است که شخص به‌واسطه آن کیفیت واقعی و ایده‌آل ذهنی خود را با هم مقایسه می‌کند (Amerigo & Aragones, 1997). (شکل ۲)



شکل ۲. مدل سیستماتیک رضایتمندی از سکونت

منبع: Amérgo & Aragones, 1997

- تغییرات کالبدی و فرایند هویت یابی

بر اساس نظریه فرآیند هویت‌یابی بریکول^{۲۱}، هویت به‌عنوان یک ساختار و یا فرآیند توسط اصول متفاوت فرهنگی در طول زمان شکل می‌گیرد. از نظر وی هویت در طول زمان جریان می‌یابد و از طریق انطباق، حل شدن، شبیه شدن و ارزیابی پیوسته محیط اجتماعی تکامل می‌یابد (Korpela, 1989). اگر چه مدل بریکول تمایزی بین هویت فردی و اجتماعی قائل نمی‌شود، اما شدت تحول و زمان می‌تواند در اصول چهارگانه هویت‌یابی بریکول نقش اساسی بیاید:

تمایز: این ویژگی را می‌توان با افتراق خود از دیگران در مقیاس زمانی به‌دست آورد مثلاً قبل و بعد از توسعه مجدد یک واحد همسایگی در زمانی کوتاه. تمایز پدیده‌ای در حال تغییر در طول زمان است.

تداوم: فرایند و اسپلر^{۲۲} نشان دادند که اگر یک تغییر ناخواسته و تغییری که فرد نتواند آن را کنترل نماید در محیط کالبدی یک فرد صورت بگیرد، موجب از بین رفتن اصل تداوم می‌شود. گاهی تغییر شکل کالبدی

محیط، اصالت جدیدی را به وجود می‌آورد، ولی اگر مکان جدید شباهتی به مکان اولیه نداشته باشد، افراد دنبال جایی شبیه به مکان اولیه‌شان خواهند بود.

اعتماد به نفس: زمانی که افراد در محیط دلخواهشان هستند اعتماد به نفس بیشتری دارند. پیوستگی حضور در مکان، حفظ ارزش‌ها و آشنایی با محیط، اعتماد به نفس ساکنان را بالا می‌برد.

خودکارایی: خودکارایی زمانی به دست می‌آید که شرایط محیطی تسهیل شده و یا حداقل مانعی برای زندگی روزمره ساکنان نباشد. بنابراین هنگامی که یک محیط غیر قابل کنترل تلقی گردد، تهدیدی برای خودکارایی به شمار می‌آید (Korpela, 1989).

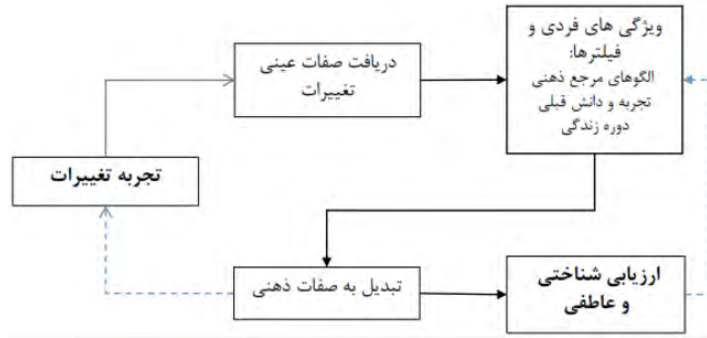
معانی فرهنگی - اجتماعی نیز به تعداد و شدت مشخصه‌های بارز^{۲۳} در یک محیط وابسته است که شامل تفاوت‌های انگیزشی و نوآوری‌های در محیط است (Stokols et al., 1981). مفاهیم فوق در دو حالت می‌تواند در شکل‌گیری هویت مکانی نقش داشته باشد؛ بیان و ابراز خود از طریق ایجاد تفاوت در محیط و معرفی خود به دیگران در محیط مسکونی.

- تغییرات کالبدی و تفاوت تجربه کاربرانه و کارشناسانه

ریخت‌شناسی به دنبال پی بردن به ساختار بافت^{۲۴} و نحوه تغییر ترکیب^{۲۵} آن در طول زمان است (Kroft, 1993). مطالعات ریخت‌شناسی در بافت‌هایی که تغییرات سریع و یکباره اتفاق نیفتاده و جریان رشد، سیر تحول طبیعی و پیوسته خود را دنبال می‌کند از قابلیت استفاده بیشتری برخوردار است (Carmona et al., 2003). آنچه در اغلب طرح‌ها و تحلیل‌های بر پایه ریخت‌شناسی تکرار می‌گردد، آن است که برخی عناصر فرم - و ترکیبی از این عناصر - با شکل‌گیری و تکامل محیط‌های مسکونی پایدار می‌مانند (Hall, 2000). در ارزیابی فرد از تغییرات محیط که خود فرایندی چندسطحی است (Nasar, 1994)، فرایند انطباق با محیط به‌عنوان یک فرایند چندلایه و تأثیرگذار بر حوزه رفتاری در مقابل تغییر فعال محیط توسط فرد قرار دارد. راسل و همکارانش به‌واسطه آزمایش‌های تجربی به اثبات فرضیه‌های خود پرداختند و دریافته‌اند مشاهده هرگونه تصویر لنگرگاهی ممکن است در ارزیابی بعدی از فضای نسبتاً خشتی که منظر هدف نامیده می‌شود، تأثیر بگذارد و سطح انطباق^{۲۶} را به سمت این نقطه تغییر دهد و ارزیابی تصویر بعدی هم به سمت برانگیختگی و خوشایندی بیشتر تغییر می‌کند. بنابراین لازم است هرگونه تغییر و جایگزینی کالبدی در مکان به‌عنوان عامل ایجاد تغییر در تعریف شاخص‌های مؤثر در ارزیابی از محیط مورد توجه قرار گیرد (Russell & Ulrich, 1984).

- چارچوب مفهومی

توجه به تجربه ارزیابانه ساکنان از تغییرات در طول زمان در سیاست‌گذاری‌های کالبدی در محیط‌های مسکونی و تلفیق آن با تجربه کارشناسانه حاصل از روند عینی تغییرات ضرورت می‌یابد. به بیان دیگر هر تحلیلی از پدیده تغییر نیازمند توجه به بستر براساس مدلی زمینه‌ای است تا تحلیل‌ها بر اساس اینکه محیط در چه مرحله‌ای از مراحل تکاملی یا دگرگونی قرار گرفته انجام شود. از این طریق امکان به‌کارگیری دانش محلی ساکنان از روند تغییرات کالبدی به منظور توسعه روش‌های مشارکتی در سیاست‌گذاری کالبدی در محلات فراهم می‌شود (پندار و ذکاوت، ۱۳۹۴، ۲۶). بر این اساس چارچوب مفهومی معرف فرایندی چرخه‌ای از تبدیل تجربه عینی ساکنان به تجربه ذهنی براساس ویژگی‌های فردی و فیلترهایی چون تجربه‌های قبلی و دوره زندگی است. (شکل ۳)



شکل ۳. چارچوب مفهومی پژوهش

منبع: تلفیق مدل آمریگو و نسر (Amerigo, 1990; Nasar, 2011)

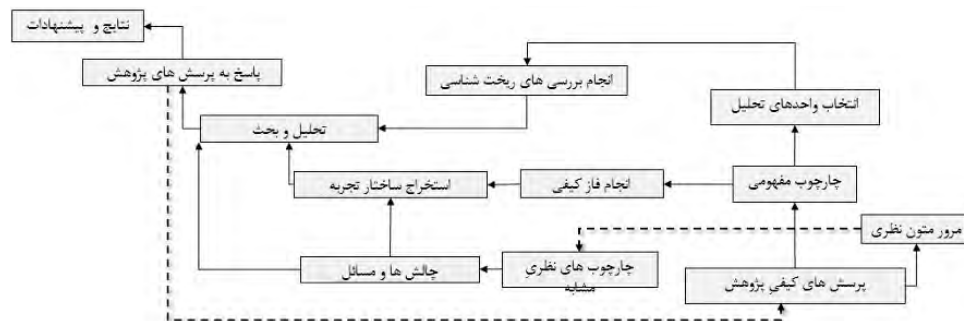
روش پژوهش

با توجه به ماهیت پیچیده و چندبعدی موضوع پژوهش می‌توان گفت این مطالعه با شناخت عمیق علل و عوامل و تحلیل بار کیفی و ارزشی پدیده‌های مربوط به تغییر محیط کالبدی سروکار دارد که با روش ترکیبی قابل انجام است. هدف از انتخاب پژوهش ترکیبی، تکمیل کردن، اصلاح نمودن و یا توضیح بخشی به نتایج حاصل از یک روش با بهره‌گیری از نتایج حاصل از روش دیگر است. منطق استفاده از آن هم افزایش قابلیت تفسیر، معنی‌داری و اعتبار سازه‌ها و نتایج پژوهش با بهره‌گیری از مزیت‌های هریک از روش‌ها است. در این پژوهش درک عینی تغییرات با مطالعه نحوه دگرپسندی بافت در طول زمان انجام شد. همزمان با جمع‌آوری اطلاعات کیفی به صورت مصاحبه عمیق و به منظور دریافت و تحلیل تجربه زیسته ساکنان از روش پدیدارنگاری استفاده شده است. (جدول ۱)

جدول ۱. موضوعات مورد نظر پژوهش و روش مورد استفاده جهت دستیابی به آنها

روش شناسی	کاربرد در شهرسازی	روش انجام
گونه-ریخت‌شناسی	درک واقعیت و عینیت	به روش گونه-ریخت‌شناسی ۲۸ درکی از روندهای عینی تغییر (تغییرات فرم و اندازه قطعات، آرایش بنا و جایگاه آن در بلوک و تغییرات لفاف حجمی) استخراج می‌شود.
پدیدارنگاری	تجربه زیسته ۲۹	تجربه زیسته ساکنان از شدت تغییرات در برخورد روزانه و حیات دراماتیک آنها از واقعیات به روش پدیدارنگاری دسته‌بندی و تعیین می‌شود.

در پژوهش حاضر نیز جمع‌آوری اطلاعات کمی به منظور تحلیل ریخت‌شناختی به‌طور همزمان، تحلیل روابط میان دریافت کیفی ساکنان از تغییرات کالبدی و واقعیات عینی را امکان‌پذیر نمود. تأکید اصلی پژوهش حاضر بر بسط نظری و روش‌شناختی تکنیک‌های ریخت‌شناسی با بهره‌گیری از روش‌های کیفی بوده است. (شکل ۴)



شکل ۴. فرایند پاسخ دادن به پرسش‌های کیفی پژوهش

پیااده‌سازی و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق و تشخیص مضامین اصلی به روش پدیدارنگاری^{۳۰} صورت گرفته است. تأکید روش پدیدارنگاری بر تبیین رابطه پژوهشگر با تجارب ذهنی و جنبه جهانی آنها است. (شکل ۵)



شکل ۵. تأکید روش پدیدارنگاری بر تبیین رابطه تجارب ذهنی و جنبه جهانی آنها

منبع: Bowden, 2005

اسونسون (1984) اجزای کارکردی عنصر ساختاری یک تجربه را توضیح می‌دهد: «یک تجربه یا یک مفهوم از یک پدیده - رابطه درونی بین ذهنیت و عینیت - روشی برای جدا کردن یک موضوع از زمینه آن و ارتباط دادن آن با زمینه‌های مشابه یا دیگر زمینه‌ها است (افق بیرونی) و همچنین راهی است برای جدا کردن اجزای تشکیل دهنده یک پدیده معین و ارتباط دادن آن به یکدیگر و به کل آنها (افق درونی) (Svensson, 1984). (شکل ۶)



شکل ۶. عنصر ارجاعی و ساختاری یک تجربه یا مفهوم

منبع: Bruce et al., 2002

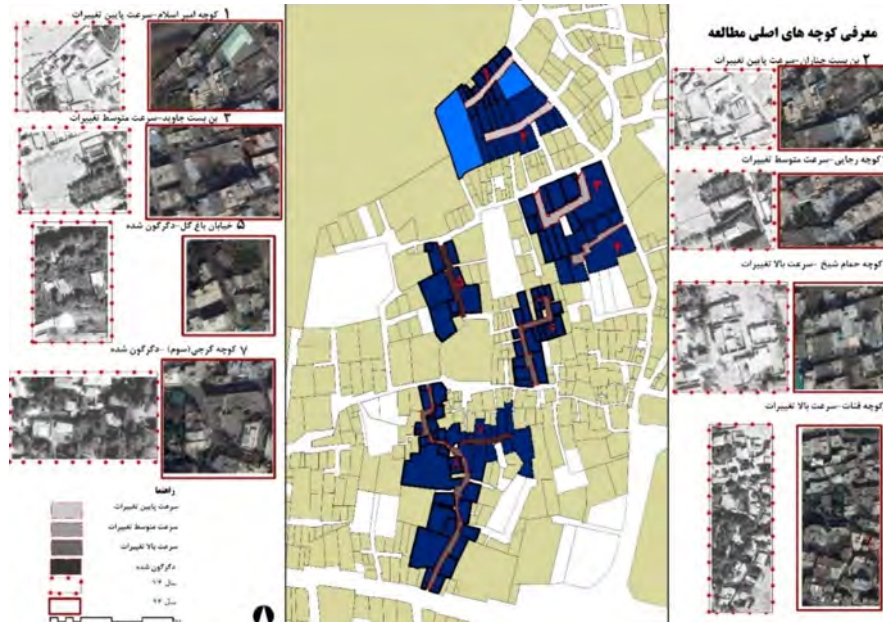
با پیااده‌سازی و تحلیل مصاحبه‌ها و مشاهدات اولیه به روش کدگذاری باز و به شیوه تحلیل پاراگراف، موضوعات استخراج شدند. سپس با بررسی و مقایسه این کدها و موضوعات آنها با هم و تشخیص تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها، زمینه‌های اصلی^{۳۱} خوانده شدند. در نهایت عنوان طبقه که واجد بیشترین قدرت تبیین است (Chamberlain, 1995) از کدگذاری گزینشی حاصل شد. آن را می‌توان معادل کدگذاری محوری دانست که ارتباط بین موضوعات و فضاهای نتیجه شامل مفهوم، افق بیرونی و افق درونی برای هریک از زمینه‌های اصلی تشکیل شد. فرایند اصلاح و بازنگری تا جایی ادامه می‌یابد که به نظر رسد طبقات اصلاح شده با داده‌های مصاحبه سازگار هستند (Orgill, 2008) به نقل از دانایی فر و کاظمی، (۱۳۸۹). انتهای کار پدیدارنگارها رسیدن به فضای نتیجه است. فضای نتیجه بیان می‌دارد که افراد می‌توانند برداشت‌های مختلفی داشته باشند و حتی اگر کسی تمام قسمت‌های یک پدیده را تجربه نکند با کنار هم گذاشتن برداشت‌های مختلف افراد تصویری کلی از آن پدیده فراهم می‌آید. بنابراین در پدیدارنگاری منطق فهم یک پدیده این گونه است که اطلاعات افراد مختلف گردآوری شده، با استفاده از کدگذاری نظری طبقات توصیفی یا مفاهیم آنها بیرون کشیده شده و به صورت ساختاری که بیان شد ترسیم می‌گردند. سپس، آنها در قالب فضای نتیجه سرهم می‌شوند (دادخواه و همکاران، ۱۳۹۶).

معرفی مکان پژوهش

مکان انجام مطالعه محله نیاوران از محلات شمال تهران است که ساکنان کوچه‌های آن شدت‌های مختلف تغییرات کالبدی را طی سال‌های گذشته تجربه کرده‌اند. (شکل ۷)



الف: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در محله نیاوران



ب: کوچه‌های انتخابی در هسته اولیه نیاوران

شکل ۷. الف: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در محله نیاوران؛ ب: کوچه‌های انتخابی در هسته اولیه نیاوران

منبع: واحد GIS شهرداری منطقه یک تهران

نیاوران به دلیل گونه‌های متنوع از شدت تغییرات کالبدی به‌عنوان نمونه شاخص مورد مطالعه قرار گرفت. این محله طی سال‌های اخیر با جریانی شتابان در زمینه تغییر کالبدی و اقتصادی و به تبع آن تغییر بافت اجتماعی مواجه شده است. (جدول ۲)

جدول ۲. منطق انتخاب مکان مطالعه و گروه هدف

موضوع	روش انتخاب	معیارها
انتخاب نیاوران در شهر تهران	نمونه معرف	الگوی برای سایر محلات (بافت شهر، ۱۳۸۷)
واحد مکانی تحلیل: کوچه به مثابه فضای همسایگی	نظرخواهی	گونه‌هایی شامل کوچه‌های بن‌بست و جمع و پخش کننده فرعی محلی
گروه هدف	متون نظری و مطالعات میدانی	گروه میان‌سال از مردان و زنان ۲۲ (Labate, 1994, cited in Murray, 2001)

مصاحبه‌های عمیق بخش کیفی به صورت انتخابی با ۱۴ نفر از ساکنان میان‌سال (۴۰-۵۵) و اصیل نیاوران (اقامت پیوسته حداقل ۱۵ سال در مکان) صورت گرفت. (جدول ۳) به منظور کنترل شرایط اجتماعی و اقتصادی، مصاحبه شونده‌گان از بین ساکنانی انتخاب شدند که خود مالک بوده و یا در محله اشتغال داشته‌اند و یا خانه‌دار بوده‌اند. تعداد پرسش‌شونده‌گان با توجه به محدودیت افراد با ویژگی‌های فوق و غربال تعدادی از افراد واجد شرایط با توجه به محدودیت‌های پژوهش تعیین شد (بیش از ۱۰ درصد افراد). پرسش‌های مصاحبه عمیق بر اساس سؤالات اولیه پژوهش^{۳۳} و با تأکید بر موضوعات و روندهای عینی به‌عنوان سؤالات محرک تهیه شد. برای اعتبارسنجی یافته‌های بخش کیفی از سه قانون استفاده از منابع چندگانه (مثلث‌سازی)، ایجاد یک پایگاه داده و حفظ یک زنجیره منطقی از شواهد استفاده شد. به گونه‌ای که داده‌های عینی و ذهنی کاربران و مشاهدات نظام‌مند و کارشناسی پژوهشگر ابعاد مثلث منابع را تشکیل دادند. زنجیره منطقی در روایت ساکنان و در قالب موضوعات اصلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با نظریه‌های پیشین مقایسه و اعتبارسنجی شد.

یافته‌های کمی

تحلیل داده‌های کمی امکان مستندسازی روند واقعی تغییرات و یافته‌های کیفی امکان بحث در خصوص پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهش را فراهم می‌سازد.

یافته‌های کمی (تحلیل ریخت‌شناسانه تغییرات کالبدی)

در شرایط فعلی با توجه به فقدان اسناد مقیاس محلی برای کنترل کیفی ابعاد کالبدی با نگاه طراحی شهری، ضوابط طرح تفصیلی کفایت لازم را برای کنترل تغییرات کالبدی بر اساس ذهنیت ساکنان ندارد و سیاست‌گذاری کالبدی مبتنی بر طرح تفصیلی و بدون توجه به خواسته‌های مردم و فرایند دگردیسی کالبدی بخش‌های مختلف جاری است.^{۳۴} نظام پهنه‌بندی شهر در طرح تفصیلی بر مبنای معیارها و شاخص‌های کیفی و کمی و با توجه به ویژگی‌های هر پهنه و وجه قالب شکل گرفته قبلی و گرایش به انواع ساخت‌وساز از نظر تراکم و طبقات و با جهت‌گیری‌های سازمان فضایی و ساماندهی چهره کالبدی شهر در مناطق مختلف شهر انجام شده است.^{۳۵} (مهندسين مشاور بوم سازگان پایدار، ۱۳۸۵).

به این منظور جهت دریافت بازخورد ساکنان از روند عینی تغییرات «کارت‌های روایت واقعی» در بررسی‌های ریخت‌شناسانه استفاده شد. به این صورت که طی انجام مصاحبه‌های عمیق، واقعیت‌هایی از موضوعات و جریان‌ات تغییر به پرسش شونده‌گان ارائه شد تا استخراج کیفیت‌های ادراکی ساکنان از هریک از مفاهیم تغییرات کالبدی شامل پر و خالی، تراکم و ارتفاع و چرخه ساخت ممکن شود.

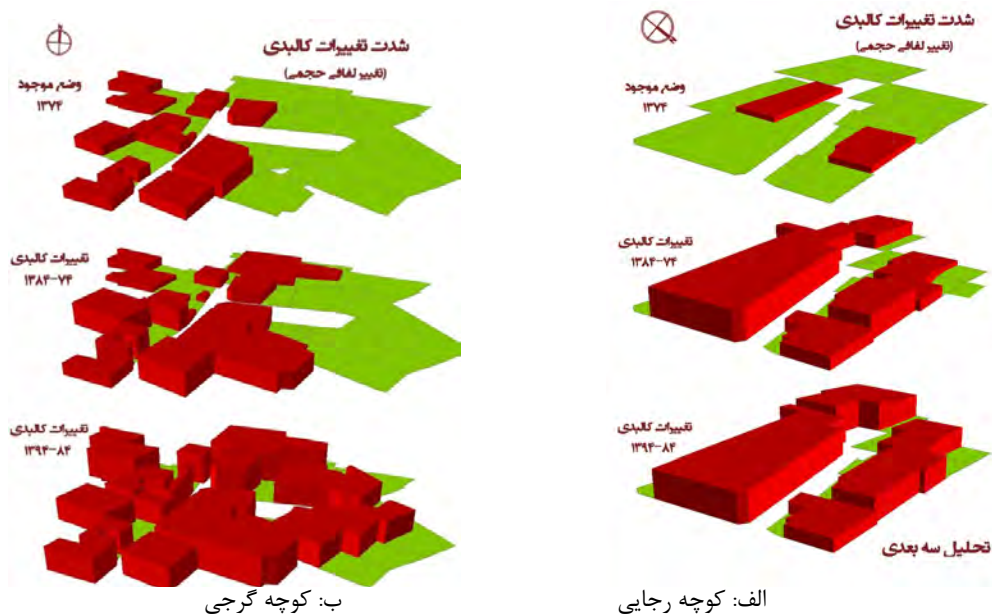
در کوچه‌های انتخاب شده روند تغییرات کالبدی بر اساس اطلاعات آماری، برداشت‌های میدانی و مشاهدات نظام‌مند مستندسازی شد. بر اساس بررسی‌های ریخت‌شناختی و تعداد ساخت‌وسازهای طی

۲۰ سال گذشته ۴ کوچه در دو سرعت متفاوت دسته‌بندی شدند. در جدول ۳ دسته‌بندی کوچه‌ها و تعداد مصاحبه شوندگان در هر کوچه به صورت تفکیکی مشخص شده است. در سرعت متوسط، روند تغییرات کمی مانند تغییر طبقات، نسبت سطوح باز به ساخته شده در ادامه روند پیشین و با شتاب قابل درکی از سوی ساکنان همراه بوده است؛ به گونه‌ای که موضوعات اصلی مرتبط با هویت کالبدی بناها مانند نحوه استقرار توده و فضای حیاط به‌رغم تغییر، اما همچنان در ادامه جریانات شتاب یافته سال‌های اخیر بوده است (کوچه‌های رجایی و جاوید). اما در شرایط دگرگونی که تراکم، طبقات و نسبت توده و فضا نسبت به دهه قبل بیش از دو برابر شده‌اند، شیوه زندگی ساکنان و روابط اجتماعی نیز متأثر از ویژگی‌های کالبدی مانند تراکم و سبک معماری کاملاً متحول شده و در روایت‌های ساکنان نیز این انقطاع هویتی و عدم تداوم گذشته مشهود بوده است (کوچه‌های گرجی و باغ گل).

جدول ۳. مکان و تعداد مصاحبه شوندگان

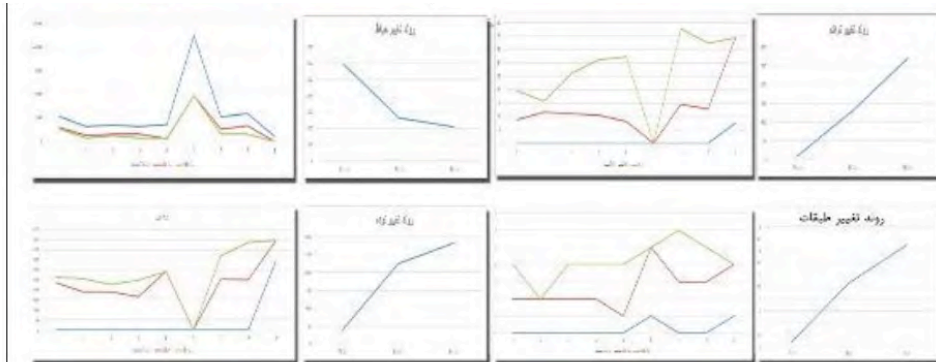
تعداد مصاحبه شوندگان		نام کوچه	معیار دسته‌بندی زمینه بر اساس مدل زمینه‌ای کلیترو
زن	مرد		
۱	۳	رجایی	زمینه در حال تغییر (شدت متوسط)
۱	۳	جاوید	
۱	۲	گرجی	زمینه تغییر یافته (دگرگون شده)
۱	۲	باغ گل	

به دلیل تأثیر طرح تفصیلی در سال ۱۳۸۵ که شروع اعمال ضوابط طرح تفصیلی است، دوره فوق به دو بخش قبل و بعد از آن تقسیم شد. اطلاعات کمی تحلیل شده در کوچه‌های مورد مطالعه شامل لفاف حجمی (شکل ۸) نسبت توده و فضا، ارتفاع و تراکم، قطعه‌بندی و چرخه تغییرات^{۳۶} (تعداد و متوسط سرعت تغییرات کالبدی در ۲۰ سال) بوده‌اند. (جدول ۴)

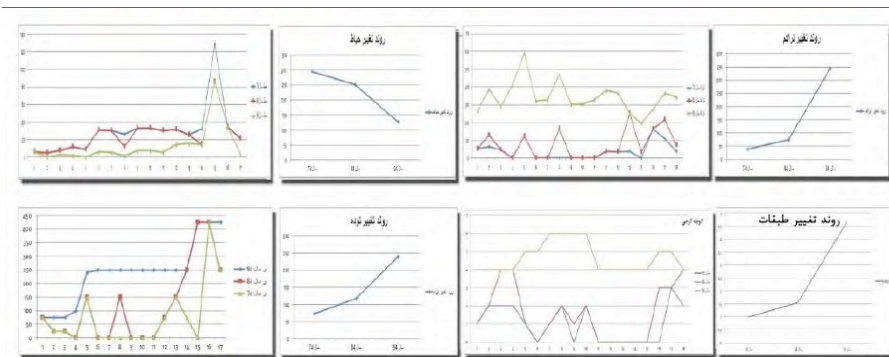


شکل ۸. نمونه‌ای از روند تغییر لفاف حجمی در کوچه‌ها

جدول ۴. روند تغییر تراکم (بالا سمت راست)، روند تغییر طبقات (پایین سمت راست) روند تغییر حیاط (بالا سمت چپ)، روند تغییر توده (پایین سمت چپ) در کوچه‌های نمونه



۴-الف: رجایی (سرعت متوسط)



۴-ب: شرایط دگرگونی کالبدی (کوچه گرچی)

یافته‌های کیفی

مصاحبه عمیق با ساکنان براساس پرسش‌های پژوهش صورت گرفت. (جدول ۵) طبقات توصیفی شامل موضوعات و زمینه‌های اصلی از داده‌های حاصل استخراج شد و پس از تحلیل فضای نتیجه به‌عنوان ساختار تجربه ساکنان به دست آمد. (جداول ۶ و ۷) (شکل‌های ۸ و ۹)

جدول ۵. اهداف و سؤالات کیفی پژوهش

سؤالات پژوهش	هدف
سؤال ۱: چه تفاوت‌هایی در ادراک ساکنان کوچه‌های در حال تغییر و کوچه‌های دگرگون شده به لحاظ کالبدی وجود دارد؟	تجربه ساکنان از تغییرات کالبدی
سؤال ۲: موضوعات نیازمند توجه طراحان و سیاست‌گذاران در روایت واقعی تغییرات بر اساس تجربه ساکنان کدام‌اند؟	انطباق ضوابط کالبدی با روایت ارزیابانه ساکنان

به منظور پاسخ گفتن به سؤال اول (فرایند درک و تفسیر تغییرات کالبدی در شدت‌های مختلف چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارد؟) موضوعات و مفاهیم حاصل از مصاحبه‌های عمیق و جملات اصلی مصاحبه شوندگان غربالگری (نمونه عبارات اصلی در کوچه‌های جاوید و رجایی در جدول ۶)، کدگذاری و طبقات توصیفی معرفی شدند. (جدول ۷) سپس فضاهای نتیجه نیز به تفکیک کوچه‌ها ارائه گردیدند. (شکل ۸)

جدول ۶. نمونه‌ای از استخراج موضوعات از عبارات (تجربیات) در کوچه‌های جاوید و رجایی

ردیف	عبارات (تجربیات)	موضوعات
۱.	زیاد کردن تعداد واحدها و درآمد بیشتر بهانه خراب کردن خانه‌های هویتمند و قدیمی هستند.	اقتصاد مبتنی بر ملک و تخریب هویت
۲.	وقتی یک خونه برای اپارتمان‌سازی تخریب میشه زمینه رو برای تخریب ساختمان کناری خودش فراهم می‌کنه و انگار مثل خوره به جان زمین‌های کوچه می‌افته	سرایت تغییر به قطعه همجوار و کاهش مالکیت جمعی وابسته به خاک
۳.	قبلا راحت‌تر می‌گفتم کوچه ما. اما کم کم دارم فکر می‌کنم فقط می‌تونم بگم خونه ما، مسجد محله ما و یا تکیه ما	تضعیف مالکیت غیررسمی و جمعی ساکنان بر خاک کوچه
۴.	ساختمان‌های جدید هیچ نسبتی با خونه‌هایی که سال‌ها بوده ندارند البته انتظار هم نداریم سلیقه قبلی اعمال بشه	به‌کارگیری واژه ساختمان در ساخت‌وساز جدید به جای خانه
۵.	ساختمان‌های جدید به مسیر قنات‌ها و حتی مسیل‌ها که قبلا از درون خانه‌ها عبور می‌کرده هیچ توجهی نمی‌کنند.	بی‌توجهی به زمینه اکولوژیک
۶.	اون اجرهای قدیمی که بخشی از حال و هوای خونه های نیاورانی و شمیرانی بوده تبدیل به سنگ‌ها و رنگ‌های فانتزی و بازاری شده.	تغییر مصالح عامل تضعیف هویت نیاورانی
۷.	ساخت‌وساز جدید تا حد امکان درخت‌های قدیمی رو خراب یا از نظر مخفی می‌کنند و توجهی ندارند که این درخت‌ها متعلق به محله ست.	حس مالکیت و توجه به درخت به‌عنوان عنصر مرجع
۸.	ساختمان‌های جدید مسیر باد رو که سابقا بین خونه‌ها و حیاط‌ها جریان داشت از بین برده الان وقتی میای تو بالکن هیچ نسیمی نیست.	بی‌توجهی به تغییر حال و هوای عناصر معماری مانند بالکن
۹.	الان تو کوچه‌ها همش سایه شده و موجب شده که زمستان برف‌ها یخ می‌زنن و دیگه آفتاب برای آب شدن اون‌ها وجود نداره.	محصوریت بالا و کاهش آفتاب‌گیری فضای کوچه
۱۰.	قدیما حیاط خانه‌ها و کوچه‌ها محل بازی ما بود و بعضی بازی‌ها به حیاط خانه‌ها هم می‌رسید.	توسعه کوچه به حیاط به‌عنوان مکان بازی
۱۱.	انگار خاک نیاوران آدم‌هایی که به اینجا می‌ایند رو می‌گیره و کمتر دیدم کسی بیاد و بخواد از اینجا بره	تعلق به خاک محله به‌عنوان دارای جمعی

جدول ۷. کدگذاری نظری و معرفی طبقات توصیفی در درک شاخص‌های تشخیص ساکنان از تغییرات

(الف: فراوانی کم، ب: فراوانی متوسط و ج: فراوانی زیاد)

موضوعات	گونه‌بندی کوچه‌ها از نظر سرعت تغییرات کالبدی	زمینه‌های اصلی (طبقات توصیفی)
اقتصاد مبتنی بر ملک (ج)، سرایت تغییر به همجوار و کاهش مالکیت جمعی (ب)، تعلق به خاک محله به‌عنوان دارای جمعی (ب)، تضعیف مالکیت غیررسمی ساکنان بر کوچه (ج).	سرعت متوسط	اقتصاد مبتنی بر زمین، تهدید مالکیت جمعی
به‌کارگیری واژه ساختمان بجای خانه (ب)، بی‌توجهی به زمینه اکولوژیک (ب)، تغییر مصالح عامل تضعیف هویت نیاورانی (ب)، توجه به درخت به‌عنوان عنصر مرجع (الف)، تغییر حال و هوای عناصری مانند بالکن (الف)، محصوریت بالا و کاهش آفتاب‌گیری کوچه (ب)	سرعت متوسط	تغییر مفهوم سکونت
مصنوعی شدن روابط اجتماعی متأثر از تغییر هویت معماری (ب)، توجه به نسبت پر و خالی در الگوهای نما (الف)، نبود ارتباط کالبدی و تأثیر بر ارتباط اجتماعی (ج)، تغییر الگوی ساخت و عناصر معنی‌دار مانند ورودی (ج)، برج‌سازی نقطه مرجع تخریب هویت (ج)، انزوای ساکنان به‌دلیل حضور طولانی کارگران (ج)، مرگ خاطرات با از بین رفتن کالبد (ج).	دگرگون شده	وابستگی معنای مکانی و اجتماعی به کالبد

اقتصاد مبتنی بر زمین عامل تهدید حق آب و گل (سرعت متوسط): تغییراتی که مالکیت را متأثر می‌سازند و هویت مکانی ساکنان را تهدید می‌کنند به‌شدت مورد توجه آنهاست. انگیزه‌های اقتصادی و اشتغالاتی که در سال‌های اخیر بر این مبنا ایجاد شده را هم تهدیدی به شمار می‌آورند که زمینه سرایت تغییر و نوسازی از یک قطعه به قطعات همجوار را فراهم می‌آورد. به همین دلیل به صورت ناخودآگاه سهمی از خانه‌های همسایگان را که سال‌ها در کنار هم زندگی کرده‌اند برای خودشان قائل هستند (حق آب و گل). تغییر مفهوم سکونت (سرعت متوسط): مشارکت‌کنندگان مفاهیم مرتبط با کیفیت‌های محیطی و دید به عناصر طبیعی مانند درختان یا منظر کوچه که به نوعی از داشته‌های مشترک و جمعی‌شان محسوب می‌شود را بیش از سایر موضوعات در شروع تغییرات تشخیص می‌دهند. از سوی دیگر تغییر در برخی از اجزا (مانند بالکن، حیاط و مصالح به صورت تغییر حال و هوای محلی و نیاورانی) و ارکان (مانند تداوم کالبدی و محصوریت) با مفاهیم عملکردی همراه می‌گردد.

وابستگی معنای مکانی و اجتماعی به کالبد (دگرگون شده): در شرایط دگرگونی، عدم انطباق و امکان حضور روابط اجتماعی پیشین با شرایط کالبدی امروز به گسست، تغییر محتوا و یا مصنوعی شدن آنها انجامیده است و بیش از توجه به ابعاد کالبدی مبنای تشخیص شخصیت ساکنان واقع می‌گردد. در این شرایط

عناصر معماری مانند ورودی نیز از زاویه تقریباً متفاوتی مورد توجه قرار می‌گیرد. جایی که تغییر آن منجر به کاهش برخوردهای رودررو می‌شود. یعنی آیفون‌های تصویری بر گونه خاصی از روابط اجتماعی که در ورودی‌ها شکل گرفته تأثیر گذاشته و آن را از حالت مستقیم به غیر مستقیم تغییر داده است. تجربه عملی و عینی برخی از الگوهای جدید مانند برج‌سازی، نگرش ساکنان را به سوی اثرات اجتماعی آن مانند منزوی شدن در خانه‌ها به خاطر حضور دائمی کارگران غریبه سوق می‌دهد. به عبارت دیگر تشخیص ساکنان در این سطح بیشتر از مقیاس کوچه به سطوح کلان مانند محله و شهر بسط می‌یابد و پرننگ می‌شود.

طبقه ۱: تغییر مفهوم سکونت



طبقه ۲: تغییر هویت مکانی و اجتماعی وابسته به کالبد



شکل ۹. فضای نتیجه سؤال اول؛ ساختار تجربه مرتبط با تشخیص و تعیین شدت اثر تغییرات توسط ساکنان به ترتیب در سرعت‌های متوسط (طبقه ۱) و شرایط دگرگونی (طبقه ۲)

به منظور پاسخ دادن به سؤال دوم یعنی موضوعات نیازمند توجه طراحان و سیاست‌گذاران در هدایت تغییرات بر اساس تجربه ساکنان، زمینه‌های اصلی از روایت‌های ساکنان، کدگذاری و طبقات توصیفی معرفی شدند (جدول ۸). سپس فضاهای نتیجه نیز به تفکیک کوچه‌ها ارائه گردیدند. (شکل ۹)

جدول ۸. کدگذاری نظری و معرفی طبقات توصیفی در درک روایت ساکنان از تغییرات

موضوعات	گونه‌بندی کوچه‌ها از نظر سرعت تغییرات کالبدی	زمینه‌های اصلی (طبقات توصیفی)
تفاوت‌های نگرشی نسبت به تغییرات در میان ساکنان اصیل به دلیل تجربه‌های نوستالژیک (ب)، ماندن و تجربه شرایط بعد از تغییرات اساسی عامل تشدید نارضایتی (الف)، نیاز به رابطه اجتماعی به‌رغم از بین رفتن شکل کالبدی (ج)، خودکنترلی برای حفظ ارزش‌ها (الف)، طولانی بودن دوره ساخت و تشدید ناشی از تداخل عوامل مزاحم محیطی و بصری (ج).	سرعت متوسط	تجربه دگرگونی ارزش‌ها
خانه پدري به‌عنوان سرمایه نه‌مکان، سرمایه‌گذاری و کسب درآمد از کالبد خانه‌ها (ب)، مقایسه با شرایط بعد از تغییر و پررنگ‌تر شدن ارزش‌های موجود (ج)، رفت‌وآمد و مذاکره سازندگان مقدمه تغییر و تهدید هویت (الف).	سرعت متوسط	روایت با انگیزه‌های اقتصادی
از بین رفتن ارتباط توأمان قطعات همجوار به هم و به فضای کوچه (الف)، الگوی برج‌سازی نقطه آغاز محدودیت در تداوم شیوه‌های زندگی پیشین (الف)، از بین رفتن فضای نیمه‌خصوصی واحدهای همسایگی (ب)، قطع تداوم فضاهای شخصی به کوچه (ج)، کم شدن امکان تصمیم‌گیری‌های جمعی برای فضای کوچه (ب)، نگرانی از کم شدن برخوردهای رودرو با ساکنان طبقات بالا (الف).	دگرگون شده	اختلال در تداوم تدریجی
تغییر در تراکم به‌عنوان نقش اول روایت تغییرات (ج)، تبدیل شدن کل کوچه به الگو و محرک تغییرات بعدی (الف)، شکسته شدن ذهنیت ساکنان از حفظ مقیاس با تغییر کوچه‌های مرجع (ج)، اهمیت برخوردهای رودرو در مقایسه با تجربه صرفاً بصری (ب)، از بین رفتن خانه پدري (الف).	دگرگون شده	شکل‌گیری روایت شخصی

تجربه دگرگونی ارزش‌ها (سرعت متوسط): در روایت ساکنان در این گونه از کوچه‌ها نوعی از تمایز و قائل شدن اهمیت بیشتر برای ساکنان اصیل‌تر وجود دارد. نیاز به احساس مسئولیت خود افراد در اظهاراتشان جهت حفظ ارزش‌ها قابل توجه است. از سوی دیگر روایت آنها با نوعی از حس نوستالژی همراه است. از این رو از تغییر ارزش‌های محیطی و تجربه آرامش قبل از سرعت گرفتن تغییرات با اشاره به طولانی شدن دوره ساخت و تشدید عوامل مزاحم محیطی و بصری یاد می‌کنند. گویی در روایت این گروه از ساکنان که فاصله کمی تا تجربه محیط آرام و حداقل مزاحمت‌های محیطی ناشی از ساخت‌وساز داشته‌اند، تأکید بیشتری بر شروع اتفاقاتی نامتعارف و غیرمنتظره وجود دارد. آنها حتی از شرایط پس از تغییر هم با ناکامی یاد می‌کنند و حفظ روابط اجتماعی پیشین را از عوامل تحفیف آلام خود می‌دانند. بنابراین می‌توان گفت ارزش‌های مکانی و اجتماعی که عامل کنترل سرعت و مانع از دگرگونی بوده در روایت این گروه از ساکنان نقش مهمی بازی می‌کند.

روایت تغییرات بر مبنای انگیزه‌های اقتصادی (سرعت متوسط): با شروع تغییرات در روایت ساکنان از مفاهیم مرتبط با زمین و خانه، گرایش‌های اقتصادی پررنگ می‌شود. از آنجا که جریان تغییر با اهداف اقتصادی شدت می‌گیرد، خانه‌سازی مبتنی بر سود اقتصادی و به اصطلاح بساز بفروشی محور توصیف ساکنان قرار می‌گیرد و تغییر سایر مفاهیم به‌ویژه مفاهیم اجتماعی در مقایسه با آن سنجیده می‌شود. حضور افرادی که با انگیزه‌های اقتصادی مترصد ایجاد تغییرات هستند نیز در روایت‌ها پررنگ‌تر می‌شود. به عبارت دیگر سرعت ساخت‌وساز و توالی آنها، مبنای بحث ساکنان و تلقی آنها از تغییرات کالبدی می‌شود.

اختلال در تداوم تدریجی (سرعت متوسط): مفهوم فضای کوچه در روایت ساکنان کوچه‌های دگرگون شده به‌عنوان بستر روابط همسایگی ظهور چندانی نداشته است. عدم امکان تصمیمات جمعی که محصول کاهش برخوردهای رودرویی ساکنان با یکدیگر بوده، از مهمترین موضوعاتی است که در روایت این گروه از ساکنان شنیده می‌شود. روایت‌هایی که نشان از اختلال در تداوم تدریجی خطرات و تجارب پیشین دارند.

شکل‌گیری داستان منسجم و تغییر روایت شخصی (دگرگون شده): تثبیت تراکم بالا در کوچه‌های دگرگون شده نقش اصلی را در شکل‌گیری داستان منسجم و تغییر روایت شخصی ایفا می‌نماید. تصویر ساکنان از کوچه در این شرایط بیش از اجزای تشکیل دهنده آن معطوف به کلیت واحدی از جداره بجای خانه می‌شود. تجربه ساکنان از برخی موضوعات مانند دید به بیرون، نقش محوری را در روایت تغییرات ایفا نموده است. این تجربه که در دوران تغییر با سرعت بالا حاصل شده، پس از دگرگونی شکل کالبدی تبدیل به یک اصل برای روایت آن می‌شود. بنابراین در روایت این گروه از مشارکت‌کنندگان، تغییر تراکم و تغییر منظر از درون خانه رابطه قوی با هم پیدا می‌کنند. به این معنی که در داستان منسجم جدید متغیرهای کمتری نقش بازی می‌کنند. اما در عین حال ساکنان همچنان خواهان حفظ برخوردهای اجتماعی مبتنی بر برخوردهای رودرو در مقایسه با تجربه صرفاً بصری از پنجره طبقات بالا هستند.

طبقه ۳: تغییر ارزش‌ها به عنوان محرک بازتعریف داستان منسجم



طبقه ۴: فرایند تحول داستان منسجم



شکل ۱۰. فضای نتیجه سؤال دوم؛ ساختار تجربه مرتبط با روایت ساکنان از تغییرات به ترتیب در سرعت‌های متوسط (طبقه ۳) و شرایط دگرگونی (طبقه ۴)

بحث و جمع‌بندی

مردم محله نیاوران همواره در معرض تغییر تدریجی چهره محیط زندگی‌شان هستند. به‌طور کلی افزایش تعداد واحدهای مسکونی و کوچک شدن اندازه قطعات، کاهش حس مالکیت ساکنان بر کوچه و ناهماهنگی دائمی میان ارتفاع ساختمان‌ها در ارزیابی ساکنان نیاورانی از تغییرات کالبدی دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. استفاده از واژه ساختمان در توصیف شرایط امروز در مقایسه با واژه خانه برای شرایط گذشته نشان از تغییر مفاهیم مرتبط با سکونت دارد. به نظر می‌رسد ساکنان نیاوران خانه را بیشتر در نسبت با افراد و مالکیت خصوصی به‌کار می‌برند، اما زمانی که نظام ساخت از شکل فردی به جمعی تغییر یافته و مشارکت افراد در شکل‌نهایی آن به حداقل می‌رسد این مفهوم به ساختمان تغییر می‌یابد.

جمع‌بندی نتایج سؤال اول: در طول جریان تغییرات کالبدی، تشخیص ساکنان از مفاهیم کیفی به سمت مفاهیم کمی گرایش می‌یابد. دو چیز از بقیه مهم‌تر است؛ اول، تغییر ماهیت عناصری که در گذشته هویت خاصی داشتند؛ مانند بالکن و دوم چیزهای جدید که قبلاً سابقه نداشته‌اند. در شرایط دگرگونی کالبدی نیز مهم‌ترین اصل مترائ و عناصر لوکس دید و ابعاد آن است. یعنی کیفیت به کمیت تقلیل یافته بدل شده است. در این میان موضوعات وابسته به زمین مانند حیاط و اندازه خانه‌ها نقش مهم‌تری بازی می‌کنند و هویت اجتماعی - مکانی تا حد زیادی به کالبد وابسته می‌شود.

جمع‌بندی نتایج سؤال دوم: در طول جریان تغییرات، جنبه‌های منفی نقش پررنگ‌تری می‌یابند. حفظ ارزش‌های مکانی و محیطی و تا حد امکان کوتاه‌تر شدن دوره ساخت و حفظ روابط اجتماعی پیشین در سیاست‌گذاری‌های کالبدی ملاک عمل طراحان و سازندگان می‌تواند تجربه دگرگونی ارزش‌ها توسط ساکنان را آسان‌تر و تصور آنها از انگیزه‌های اقتصادی تغییر را تعدیل کند. از سوی دیگر در روایت ساکنان در شرایط دگرگون شده، اهمیت ویژه‌ای به واحد مسکونی داده می‌شود. سرعت تغییرات کالبدی عناصر خارج از واحدهای مسکونی را در نسبت با واحد مسکونی تشخیص می‌دهند؛ به‌عنوان مثال سرعت از بین رفتن منظر و سرعت افزایش واحدهای مسکونی.

براساس نتایج حاصل از جمع‌بندی پرسش‌های پژوهش، «انطباق محیط ادراکی با محیط به‌عنوان خود» و «ارزیابی خود و دیگران با تغییرات» که بر اساس فرایند هویت‌یابی بریکول (Breakwell, 2014) به منظور حفظ تمایز و تداوم هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این فرایند به صورت چرخه‌ای در طول زمان و در مراحل مختلف چرخه ساخت در هر یک از قطعات در مقیاس جزء و چرخه‌های تغییر محصوریت و پیوستگی، تراکم و ارتفاع در مقیاس کل که سازنده کیفیت‌های ادراک ساکنان از کلیت کوچه و محله هستند، تکرار می‌شود. در مقایسه با پژوهش‌هایی که به بررسی بازخورد ارزیابی‌های مرتبط با ابزار قانونی کنترل تغییرات کالبدی پرداخته‌اند در شرایط ایران که هنوز ابزار رویه‌ای و قانونی جهت کنترل شدت تغییرات کالبدی در محلاتی مانند نیاوران شکل نگرفته است، معیارهای حاصل از بررسی‌های انطباقی و مقایسه با تغییر کالبدی مبتنی بر ضوابط طرح تفصیلی و شرایط موجود در دو محور نحوه استقرار در زمین و چرخه ساخت می‌تواند به‌عنوان راهنمای طراحان شهری و معماران مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، برای ساکنان همجواری پیوسته فضاهای باز مانند حیاط و پوشش گیاهی^{۳۷} و هماهنگی روابط در نماهای مجاور نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت موضوعاتی مانند گذار تدریجی الگوهای مرجع، تغییرات بزرگ مقیاس و از بین رفتن هویت کوچه یا اندازه واحدهای مسکونی و داشتن

حیاط در لبه کوچه با افزایش شدت و تعداد تغییرات در ارزیابی عاطفی ساکنان کم‌رنگ‌تر می‌شود. پررنگ شدن اهمیت کالبد در درک و تفسیر این گروه از ساکنان، موجب تبدیل شدن کالبد به معیاری جهت تشخیص نوع و شدت تغییرات می‌شود. از این رو توجه به ارزش‌های ریخت‌شناسی که طی سال‌ها و به تدریج شکل گرفته و در ذهن ساکنان به الگوهای چارچوب مرجع تبدیل شده مستلزم توجه به تعداد و نوع تغییرات تجربه شده، دوره‌بندی ساخت و روند شکل‌گیری کلیت جدید در کوچه‌ها و میزان انطباق با شرایط جدید است.

بخش دیگری از نتایج حاکی از آن است که ساکنان نسبت به تغییر هویت‌های زمینه‌ای معماری که محصول تغییر مقیاس بوده و به نظرشان قابل کنترل نیست، حساسیت کمتری نشان می‌دهند. معیارهای نیازمند توجه به‌عنوان راهنمای طراحان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- هماهنگی کالبدی و ارتفاعی بیشتر میان ساختمان‌ها و کوتاه‌تر شدن چرخه‌های زمانی ساخت‌وساز به‌عنوان یک محرک خوشایند، تبدیل به یک جنبه برجسته از زمینه قضاوت ساکنان شده، سطح انطباق به سمت آن گرایش پیدا می‌کند.
- تغییر در صفحه بازشوی آسمان عامل مهمی در ارزیابی تغییر کالبدی کوچه محسوب می‌شود. وجود حیاط در لبه کوچه و پوشش گیاهی در آن نتایج مثبتی در ارزیابی دارد.
- وجود جداره‌های جانبی کور مشرف به سیمای کوچه (اصطلاحاً صفر)، عامل مهمی در ارزیابی کیفیت‌های همجواری در مقیاس کوچه است و ذهنیت انتظار را تقویت می‌کند. چرا که زمینه را برای شروع تغییرات پشت سر هم که اغلب ساکنان ذهنیتی دومینویی از آن دارند، فراهم و نوعی حالت انتظار و تعلیق را در کلیت کالبدی کوچه ایجاد می‌کند.
- طولانی شدن دوره ساخت و تبدیل شدن کوچه به کارگاه ساختمانی نیمه‌تمام به عامل تأثیرگذاری در رضایت ساکنان تبدیل می‌شود. لذا اقداماتی که این شرایط را تخفیف دهد مفید به نظر می‌رسد.
- وقتی اسکلت ساختمان بالا می‌رود و گشایش فضایی کاهش می‌یابد، تصور از ساخته شدن قوی می‌شود. بنابراین هرچه سرعت ساخت‌وساز در مرحله بالارفتن اسکلت بیشتر باشد ساکنان از بین رفتن هویت را سریع‌تر ارزیابی می‌کنند و هرچه سرعت در مرحله نازک‌کاری یا فرایند تکمیل شدن بیشتر باشد، حالت متروکه کمتر به نظر می‌رسد.
- در نهایت به نظر می‌رسد تهیه پرونده‌ای از هر کوچه یا خیابان برای کنترل شدت تغییرات کالبدی از حیث تعداد و نوع در محلاتی مانند نیاوران هنوز هم ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که در هر دوره‌ای نوع و مقیاسی از صفات کالبدی به‌عنوان هویت محلی در ذهن ساکنان تثبیت می‌شود که نیازمند حفظ و آماده‌سازی ذهنی برای تغییرات تدریجی است.

تشکر و قدردانی

به این وسیله از آقای دکتر کامران ذکاوت که در شکل‌گیری بخشی از ایده‌های مطرح در مقاله در ذهن نگارنده نقش داشتند، کمال قدردانی و تشکر به عمل می‌آید.

پی‌نوشت‌ها

1. context effects
2. Marcus

3. Hur
4. chronologies of change
5. Caplan
6. Canter
7. The Purposive Evaluation of Places: A Facet Approach
8. level
9. focus
10. Referential idea
11. transformation
12. Clitheroe
13. objective
14. subjective
15. context
16. evolution
17. adaptation & adjustment
18. Kaplan
19. cognitive experiential
20. Belk
21. Breakwell
22. Frida and Speller

۲۲. جک نسر آنها را typicality می‌نامد و در گروه کیفیت‌های schemas دسته‌بندی می‌کند.

24. fabric
۲۵. یک ترکیب از مجموعه ترکیب‌هایی که نقش مهمی در شکل دادن به توسعه مکان بازی می‌کنند. (Morphological frame)
26. adaptation level
27. lived
28. typo morphology
29. lived experience
30. Phenomenography
31. theme

۳۲. بر اساس مطالعه دوره‌های زندگی می‌توان گفت افراد در این بازه سنی دوره مؤثر شکل‌گیری هویت مکانی و اجتماعی را در مکان مورد مطالعه سپری کرده‌اند. در محیط سکونتشان استقرار یافته‌اند و دوره‌هایی از تغییرات را تجربه کرده‌اند.

۳۳. موضوعات قابل طرح در مصاحبه عمیق در سه دسته بوده‌اند: (۱) اطلاعات توصیفی به منظور کنترل متغیرهای اجتماعی و اقتصادی و ویژگی‌های فردی در تحلیل نتایج و تعمیم آنها؛ (۲) طرح چند سؤال باز بر پایه مفاهیم اولیه به‌عنوان نقطه عزیمت و کار میدانی مقدماتی؛ و (۳) سؤال‌های متأثر از پرسش‌های پژوهش همراه با سؤال‌های مواجهه‌ای که به نظریه‌ها و روابطی که مصاحبه‌شونده تا آن لحظه مطرح کرده، واکنش نشان می‌دهد. نمونه‌هایی از سؤالات مصاحبه عمیق عبارت‌اند از:

- چه نوع تغییراتی را در شکل و فرم ساختمان‌ها و کوچه محل زندگی‌تان به یاد می‌آورید؟
- پیامدهای چه تغییراتی را در محیط زندگی‌تان بیشتر درک می‌کنید و معمولاً آنها را با چه معیارهای زمانی و مکانی ارزیابی می‌کنید؟
- آیا می‌توانید تغییراتی که طی ۲۰ سال گذشته در خصوص شکل و فرم کوچه و ساختمان‌هایش رخ داده را به صورت ساده بیان کنید؟

۳۴. طرح مذکور در قالب ۲۲ سند مجزا و هماهنگ و هریک در محدوده مناطق ۲۲ گانه فعلی شهر تهران توسط مهندسين مشاور مناطق تهیه شد. پس از بررسی‌های لازم از طریق «نهاد مسئول تهیه همزمان طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران» سرانجام «طرح تفصیلی جدید شهر تهران» منطبق با سند طرح راهبردی - ساختاری (جامع) جدید شهر تهران از تصویب نهایی گذشته است.

۳۵. مستخرج از بخش ضوابط و مقررات نحوه استفاده از اراضی و ساخت‌وساز (سند اصلی هدایت و کنترل تحولات کالبدی)، پیوست سند طرح تفصیلی تهران، مهندسین مشاور بوم‌سازگان، ۱۳۸۶.
36. change cycles
۳۷. در نیاوران نیز برخی از گونه‌های پوشش گیاهی مانند چنار به‌عنوان کیفیتی معنایی - نمادین، هویت کالبدی پیدا کرده و از نظر مردم در شکل دادن به فضا و ترکیب با توده اهمیت می‌یابد.

فهرست منابع

- بافت شهر (۱۳۸۷). طرح تفصیلی منطقه یک تهران، نهاد مشترک مسول تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران.
- پندار، هادی، و ذکاوت، کامران (۱۳۹۴). فرایند ارزیابی عاطفی سرعت تغییرات کالبدی در محیط مسکونی از نگاه کاربران بر اساس معیار رضایت‌مندی مطالعه موردی: محله نیاوران. فصلنامه مطالعات شهری، ۵(۱۷)، ۱۵-۲۸.
- دادخواه، مهدی، لکزیان، محمد، و همت، زهرا (۱۳۹۶). به‌کارگیری روش پدیدارنگاری به منظور شناسایی عوامل مؤثر در انتشار علم نامعتبر. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۶، ۱۰۹۷-۱۱۱۴.
- دانایی‌فر، حسن، و کاظمی، سیدحسین (۱۳۸۸-۸۹). ارتقای پژوهش‌های تفسیری در سازمان: مروری بر مبانی فلسفی و فرایند اجرای روش پدیدارنگاری. فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۶۱، ۱۲۱-۱۴۷.
- مهندسین مشاور توسعه بوم‌سازگان پایدار (۱۳۸۵). طرح ساختاری-راهبردی توسعه و عمران شهر تهران.
- ون پل، ریک (۱۳۹۰). رویکردها و روش‌های سنجش کیفیت محیط مسکونی شهری (مترجمان: مجتبی رفیعیان و جمشید مولودی). تهران: آذرخش.
- Amérigo, M., & Aragones, J. I. (1997). A theoretical and methodological approach to the study of residential satisfaction. *Journal of environmental psychology*, 17(1), 47-57.
- Amerigo, M. (1990). A model of satisfaction. In M. Aristides and K. Karaletsou (Eds.), *Socio environmental metamorphoses: built cape, Landscape, Ethnos cape* (411-417). Salonika: Aristotle University of Thessaloniki.
- Belk, R. W. (1988). Possessions and the Extended Self. *Journal of Consumer Research*, 15, 139-168.
- Bowden, J. A. (2005). Reflections on the phenomenographic team research process. *Doing developmental phenomenography*, 11-31.
- Bridget, F. (2006). *Housing transformation, shaping the space of 21st century living*. Routledge.
- Breakwell, G. M. (2014). Identity process theory: clarifications and elaborations. Identity Process Theory: Identity. *Social action and social change* (20-37). Cambridge University Press.
- Bruce, C., Binh, P., & Stoodley, I. (2002). *The Collective Consciousness of Information Technology Research: The Significance and Value of Research Projects*. Australia: Scholarship in the Professions Grant and the Australian Computing Society.
- Carmona, M., Heath, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places – Urban Spaces, the Dimensions of Urban Design*. Oxford: Architectural Press.
- Canter, D. (1983). The purposive evaluation of places: A facet approach. *Environment and behavior*, 15(6), 659-698.
- Chamberlain, K. (1995). *What is grounded theory? Multiple recipients of list QUALRS-L*.
- Clitheroe, H. C., Stokols, D., & Zmuidzinis M. (1998). Conceptualizing the context of environment and behavior. *Journal of environmental psychology*, 18, 103-112.
- Hall, A. C. (2000). A New Paradigm for Development Plans. *Urban Design International*, 5, 123-140.

- Hur, M. L. A. (2008). *Neighbourhood satisfaction, physical and perceived characteristics*. PhD Dissertation, Ohio University.
- Korpela, K. (1989). Place-identity as a product of environmental self-regulation. *Journal of Environmental Psychology*, 9(3), 241-256.
- Kropf, K. S. (1993). *The definition of built form in urban morphology*. PhD Dissertation, University of Birmingham.
- Marcus, C. C. (1995). *House as a Mirror of Self: Exploring the Deeper Meaning of Home*. Nicolas-Hays, Inc.
- Morrone, A., Piscitelli, A., & D'Ambrosio, A. (2019). How disadvantages shape life satisfaction: an alternative methodological approach. *Social Indicators Research*, 141(1), 477-502.
- Nasar, J. L. (1994). Urban design aesthetics: The evaluative quality of building exteriors. *Environment and Behavior*, 26, 377-401.
- Nasar, J. L. (2011). Environmental Psychology and Urban Design. In Banerjee, Tridib, Anastasia Loukaitou-Sideris (Eds.), *Companion to Urban Design* (180-199). London: Routledge.
- Scarpello, V., & Campbell, J. P. (1983). Job satisfaction: Are all the parts there? *Personnel psychology*, 36(3), 577-600.
- Svensson, L. (1984). *Three Approaches to Descriptive Research*. ERIC.
- Stokols, D., Shumaker, S. A., & Martinez, J. (1983). Residential mobility and personal well-being. *Journal of Environmental Psychology*, 3(1), 5-19.
- Thomas, R. M. (2001). *Recent theories of human development*. Sage.
- Russell, A. L., & Ulrich, F. U. (1984). Adaptation level and affective appraisal of environments. *Journal of Environmental Psychology*, 4, 119-135.
- Wang, D., He, S., Webster, C., & Zhang, X. (2019). Unravelling residential satisfaction and relocation intention in three urban neighborhood types in Guangzhou, China. *Habitat International*, 85, 53-62.
- Whitehand, J. W. (1987). *The changing face of cities: a study of development cycles and urban form*. Blackwell.